

تاریخ مختصر اروپا

سرشناسه: جنکینز، سایمون
عنوان و نام پدیدآور: تاریخ مختصر اروپا: از آغاز تا امروز/سایمون جنکینز؛ ترجمه شهربانو صارمی.
مشخصات نشر: تهران: ققنوس، ۱۴۰۵.
مشخصات ظاهری: ۳۴۴ ص.: مصور، عکس.
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۰۴-۰۵۸۹-۴
وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا
یادداشت: عنوان اصلی: A short history of Europe: from Pericles to Putin, 2019.
یادداشت: نمایه.
موضوع: اروپا — سیاست و حکومت — تاریخ
موضوع: Europe -- Politics and government -- History
موضوع: سیاست جهانی — تاریخ
موضوع: World politics -- History
شناسه افزوده: صارمی، شهربانو، ۱۳۴۳، مترجم
رده‌بندی کنگره: DK۵۰۸/۸۵۲
رده‌بندی دیویی: ۹۴۷/۷۰۸۶
شماره کتاب‌شناسی ملی: ۱۰۴۳۶۰۸۲

تاریخ مختصر اروپا

از آغاز تا امروز

سایمون جنکینز

ترجمه شهربانو صارمی



این کتاب ترجمه‌ای است از:

A Short History of Europe
From Pericles to Putin

Simon Jenkins

Hachette Book Group, 2019



انتشارات ققنوس

خیابان انقلاب، خیابان فروردین، خیابان نظری،

نیش جاوید ۲، تلفن ۶۶۴۰۸۶۴۰

ویرایش، آماده‌سازی و امور فنی:

تحریریه انتشارات ققنوس

سایمون جنکینز

تاریخ مختصر اروپا

از آغاز تا امروز

ترجمه شهریانو صارمی

چاپ اول

۱۱۰۰ نسخه

۱۴۰۵

چاپ رسام

حق چاپ محفوظ است

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۰۴-۰۵۸۹-۴

ISBN: 978-622-04-0589-4

www.qoqnoos.ir

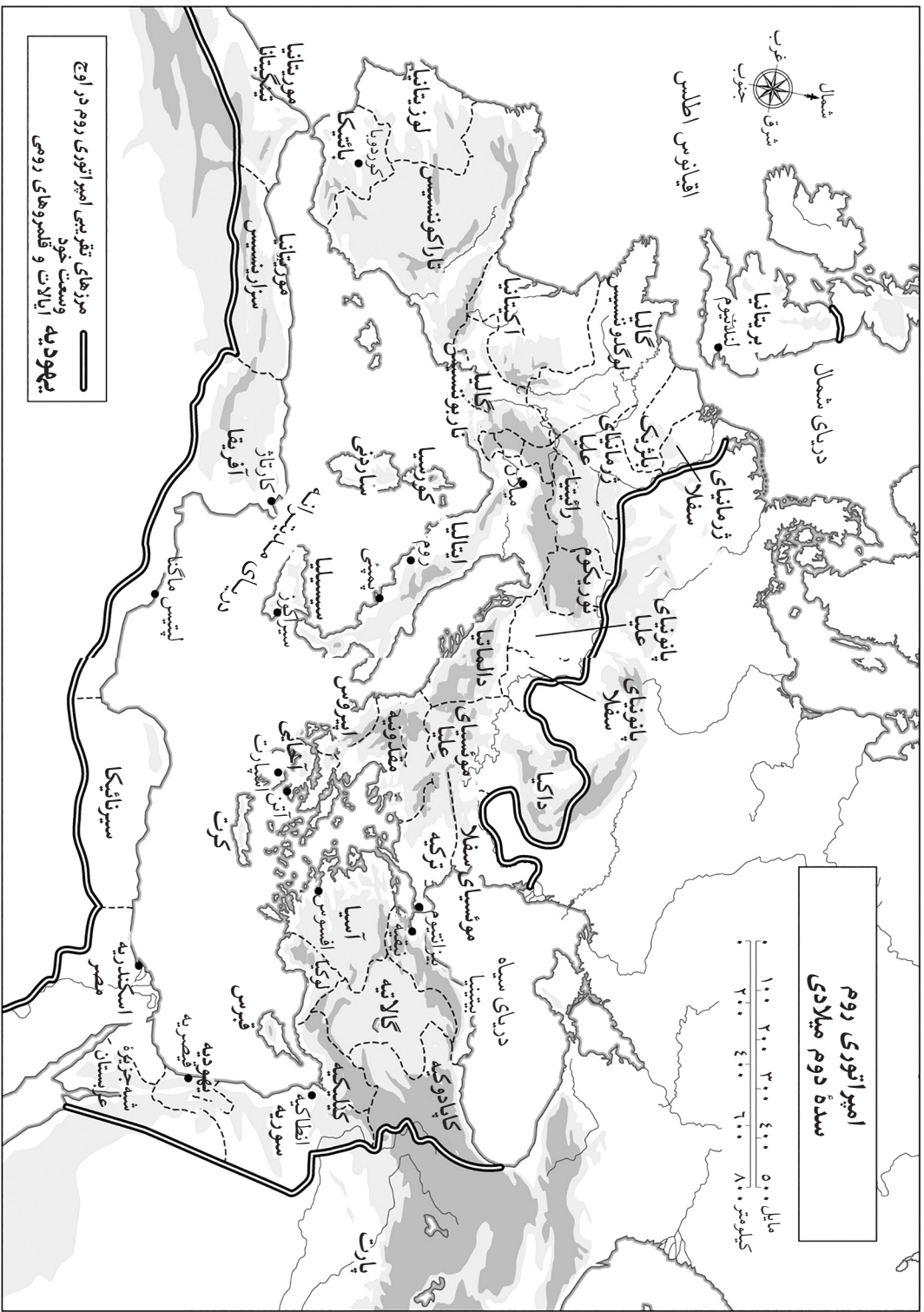
Printed in Iran

فهرست

۷	نقشه‌ها.....
۱۹	گاهشمار تاریخ اروپا.....
۲۳	پیشگفتار.....
۲۷	۱. سپیده‌دم اژه — شکوه یونان، ۲۵۰۰-۳۰۰ ق.م.....
۳۹	۲. استیلای روم، ۵۰۰ ق.م-۳۰۰ م.....
۵۳	۳. گوت‌ها، هون‌ها و مسیحیان، ۳۰۰-۵۶۰ م.....
۶۵	۴. عصر شارلمانی، ۵۶۰-۸۴۰ م.....
۷۳	۵. اروپاییان جدید، ۸۴۰-۱۱۰۰ م.....
۸۳	۶. کلیسای جنگ‌طلب، ۱۱۰۰-۱۲۱۵ م.....
۹۳	۷. ظهور دولت‌ها، ۱۲۱۵-۱۴۰۰ م.....
۱۰۷	۸. سقوط بیزانس، ۱۴۰۰-۱۵۰۰ م.....
۱۱۵	۹. رنسانس و اصلاحات، ۱۴۵۰-۱۵۲۵ م.....
۱۲۵	۱۰. جنگ شهریاران، ۱۵۲۵-۱۵۶۰ م.....
۱۳۳	۱۱. جنگ‌های مذهبی، ۱۵۶۰-۱۶۶۰ م.....
۱۴۷	۱۲. اوج خودکامگی، ۱۶۶۰-۱۷۱۵ م.....
۱۵۹	۱۳. از تعقل تا طغیان، ۱۷۱۵-۱۷۸۹ م.....
۱۶۹	۱۴. انقلاب فرانسه، ۱۷۸۹-۱۸۰۴ م.....
۱۷۹	۱۵. اروپای دوران ناپلئون، ۱۸۰۴-۱۸۱۵ م.....
۱۸۹	۱۶. وین و شکست اصلاحات، ۱۸۱۵-۱۸۴۰ م.....
۲۰۱	۱۷. آخرین ناله‌های نظم کهن، ۱۸۴۰-۱۸۵۰ م.....
۲۱۱	۱۸. ایتالیا و آلمان، ۱۸۵۰-۱۹۰۰ م.....
۲۲۳	۱۹. جنگی برای پایان دادن به همه جنگ‌ها، ۱۹۰۰-۱۹۱۸ م.....
۲۳۵	۲۰. سال‌های ۱۹۱۸-۱۹۳۹ م.....

٢١. جنگ جهانی دوم، ١٩٣٩-١٩٤٥ م ٢٤٧
٢٢. جنگ سرد در قاره اروپا، ١٩٤٥-١٩٨٩ م ٢٥٧
٢٣. تنش‌های گذشته و حال، ١٩٨٩ م - ٢٧١
٢٤. سخن پایانی ٢٨٣
- منابعی برای مطالعه بیشتر ٢٨٩
- تصاویر ٢٩١
- نمایه ٣٢٩

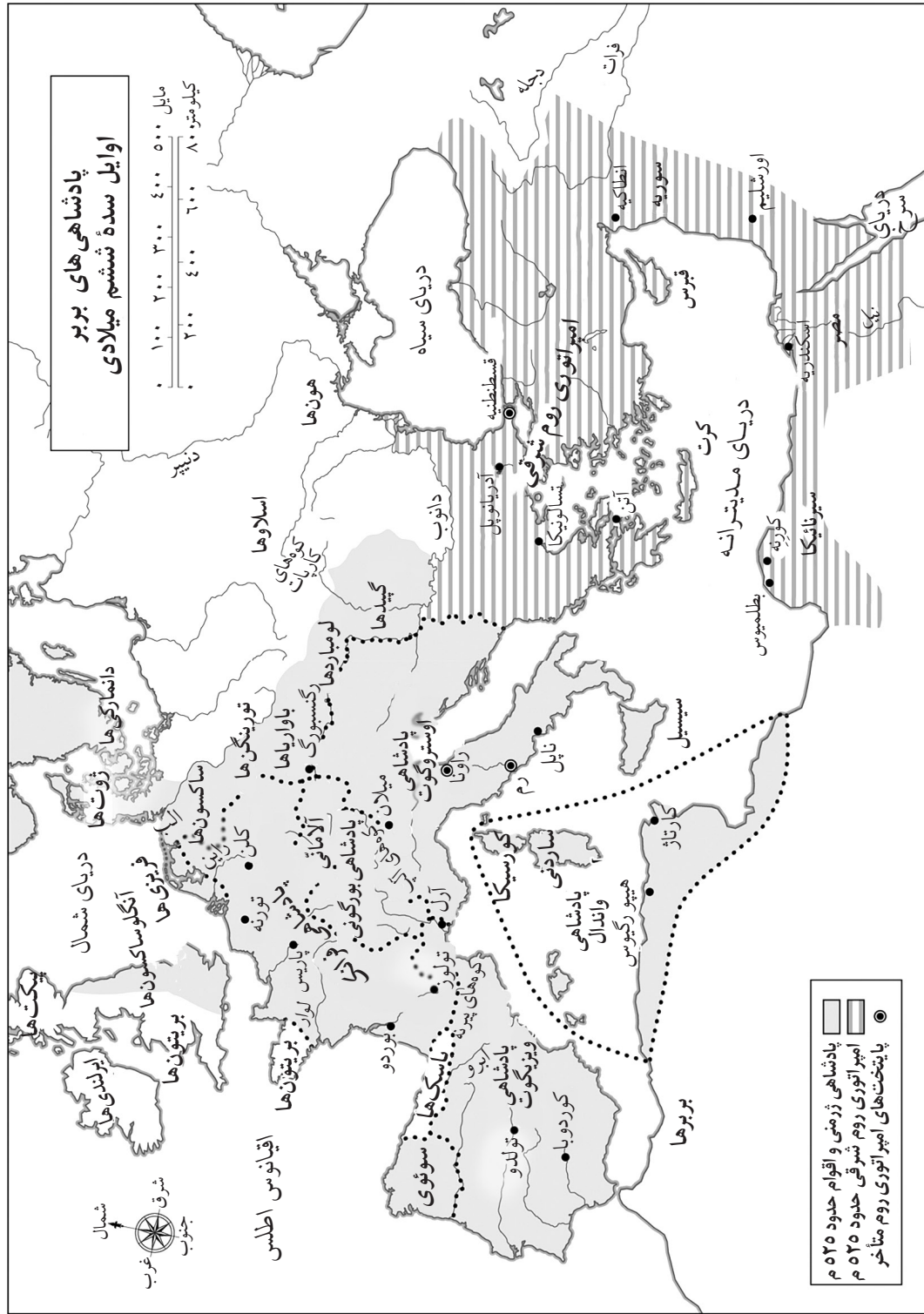
نقشه‌ها



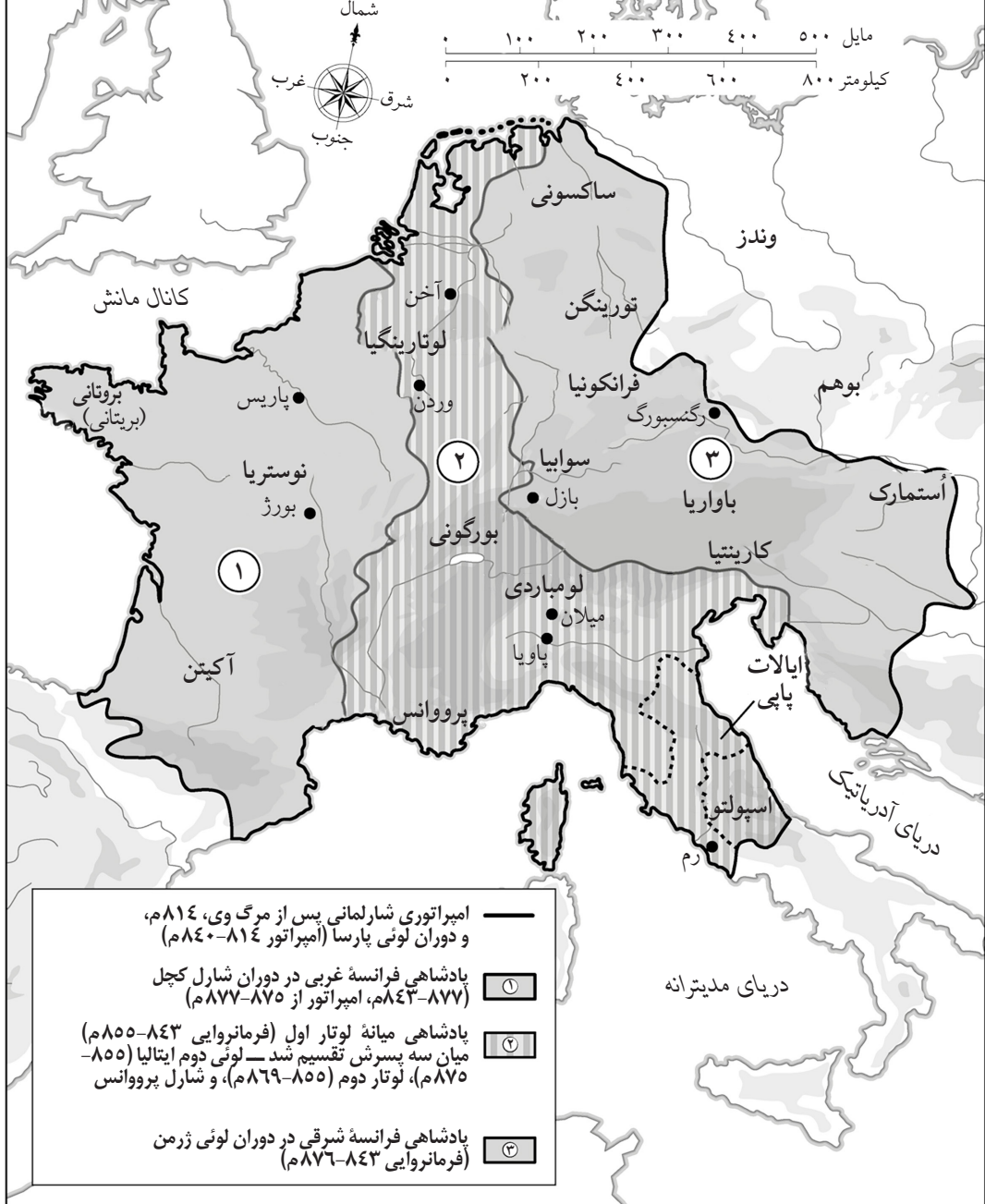
امپراتوری روم
سده دوم میلادی

مایل ۰ ۱۰۰ ۲۰۰ ۳۰۰ ۴۰۰ ۵۰۰
کیلومتر ۰ ۲۰۰ ۴۰۰ ۶۰۰ ۸۰۰

موزه‌های تقریبی امپراتوری روم در اوج
وسعت خود
نمودار به ایالات و قلمروهای رومی

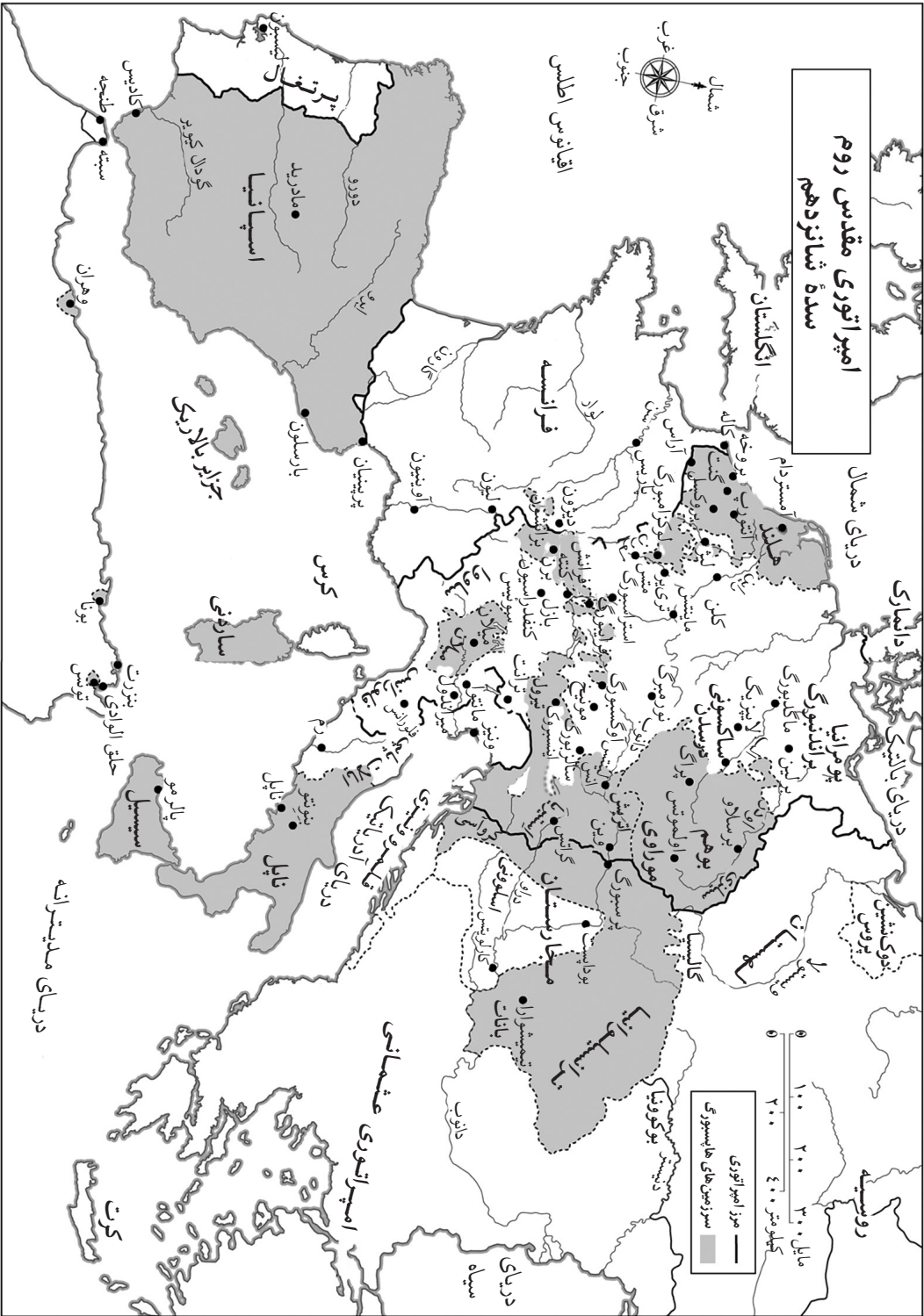


لوتارینگیا، سدهٔ نهم میلادی





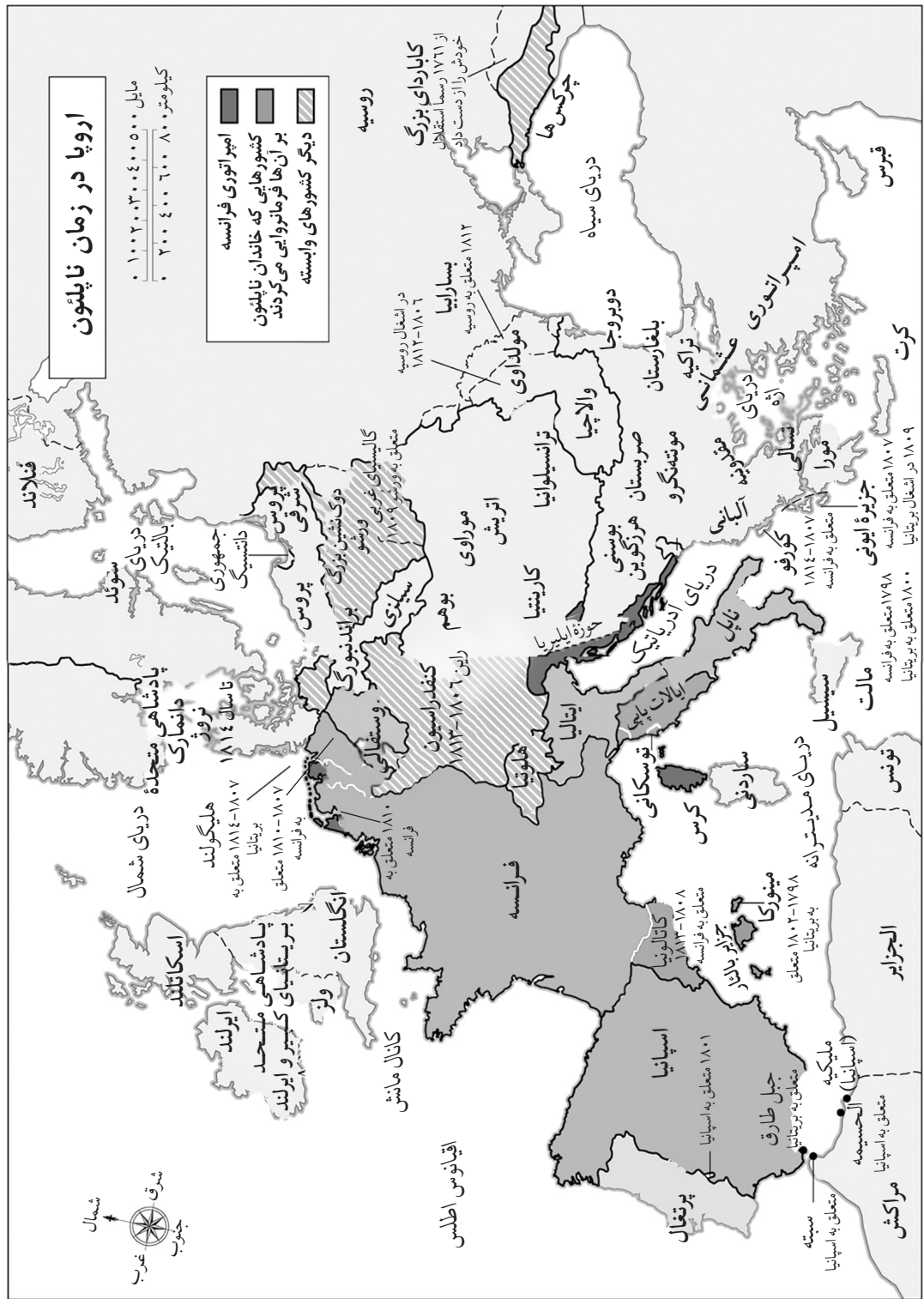
امپراتوری مقدس روم سده شانزدهم



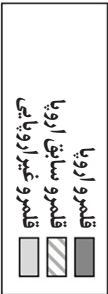
اروپا در زمان ناپلئون

مایل
۰ ۱۰۰ ۲۰۰ ۳۰۰ ۴۰۰ ۵۰۰
کیلومتر
۰ ۲۰۰ ۴۰۰ ۶۰۰ ۸۰۰

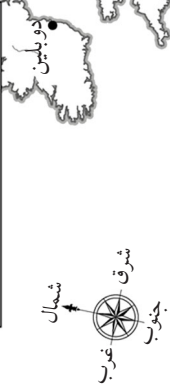
- امپراتوری فرانسه
- کشورهایی که خاندان ناپلئون بر آن‌ها فرمانروایی می‌کردند
- دیگر کشورهای وابسته



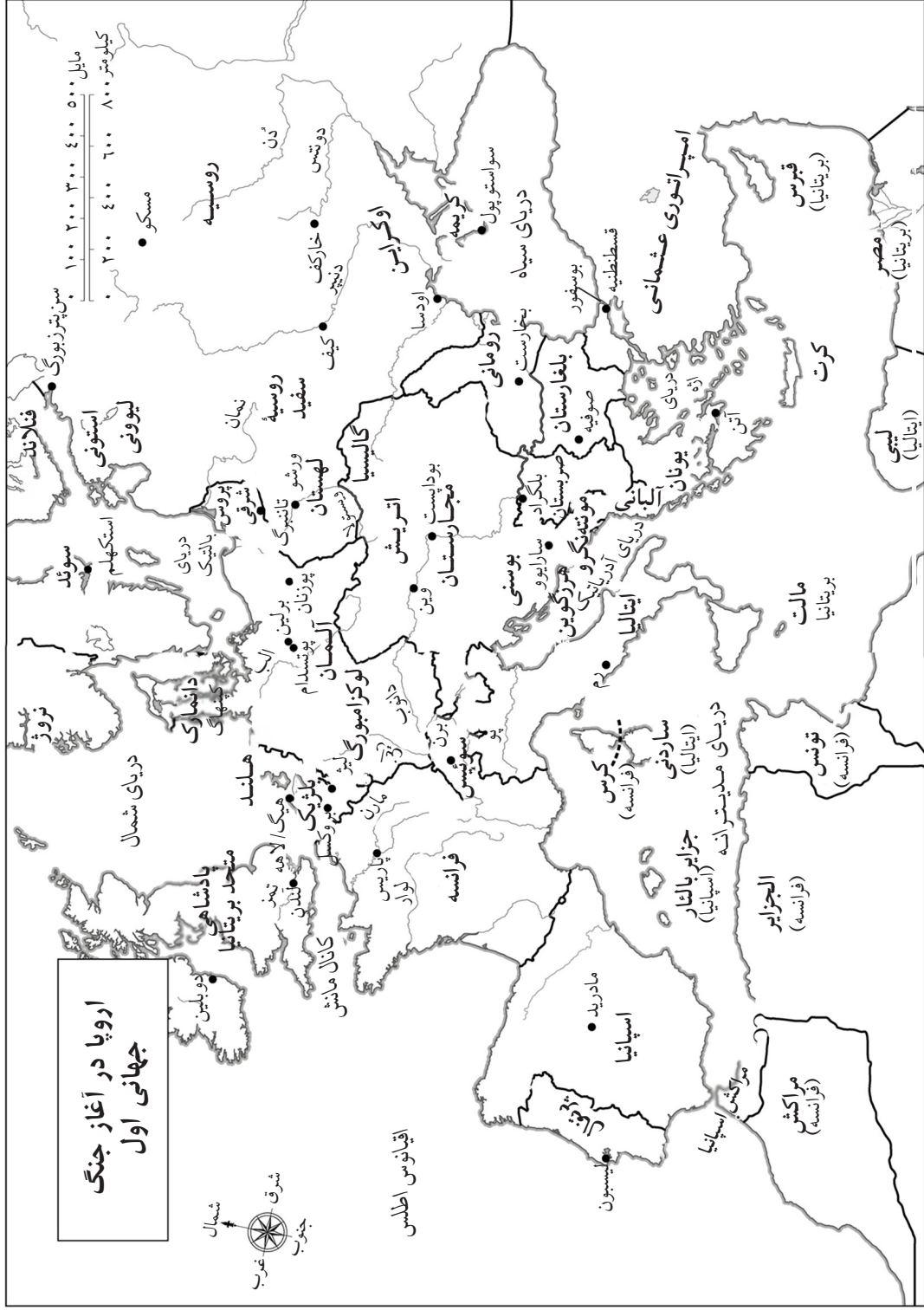
امپراتوری‌های اروپا
در آغاز سده بیستم



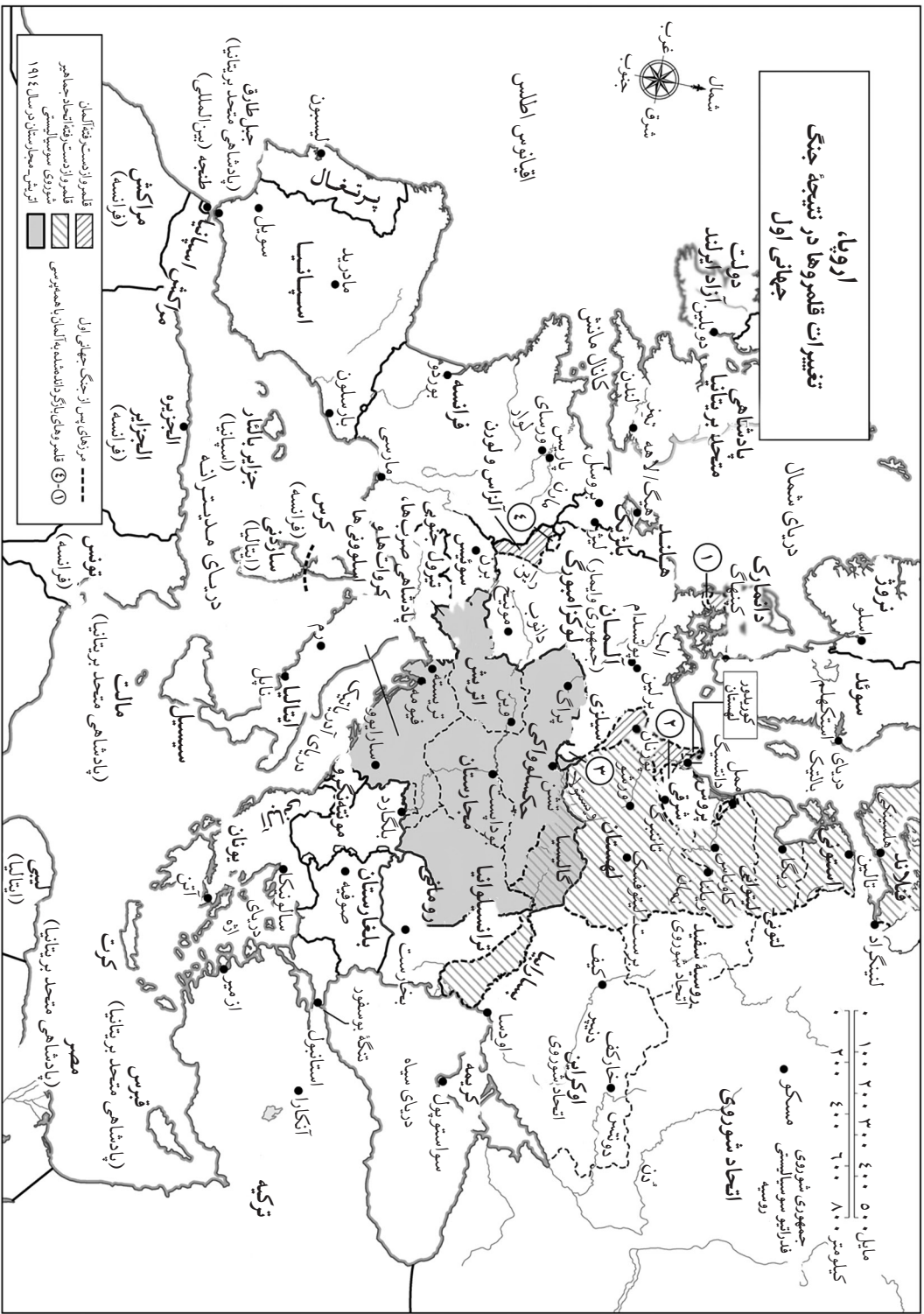
اروپا در آغاز جنگ جهانی اول

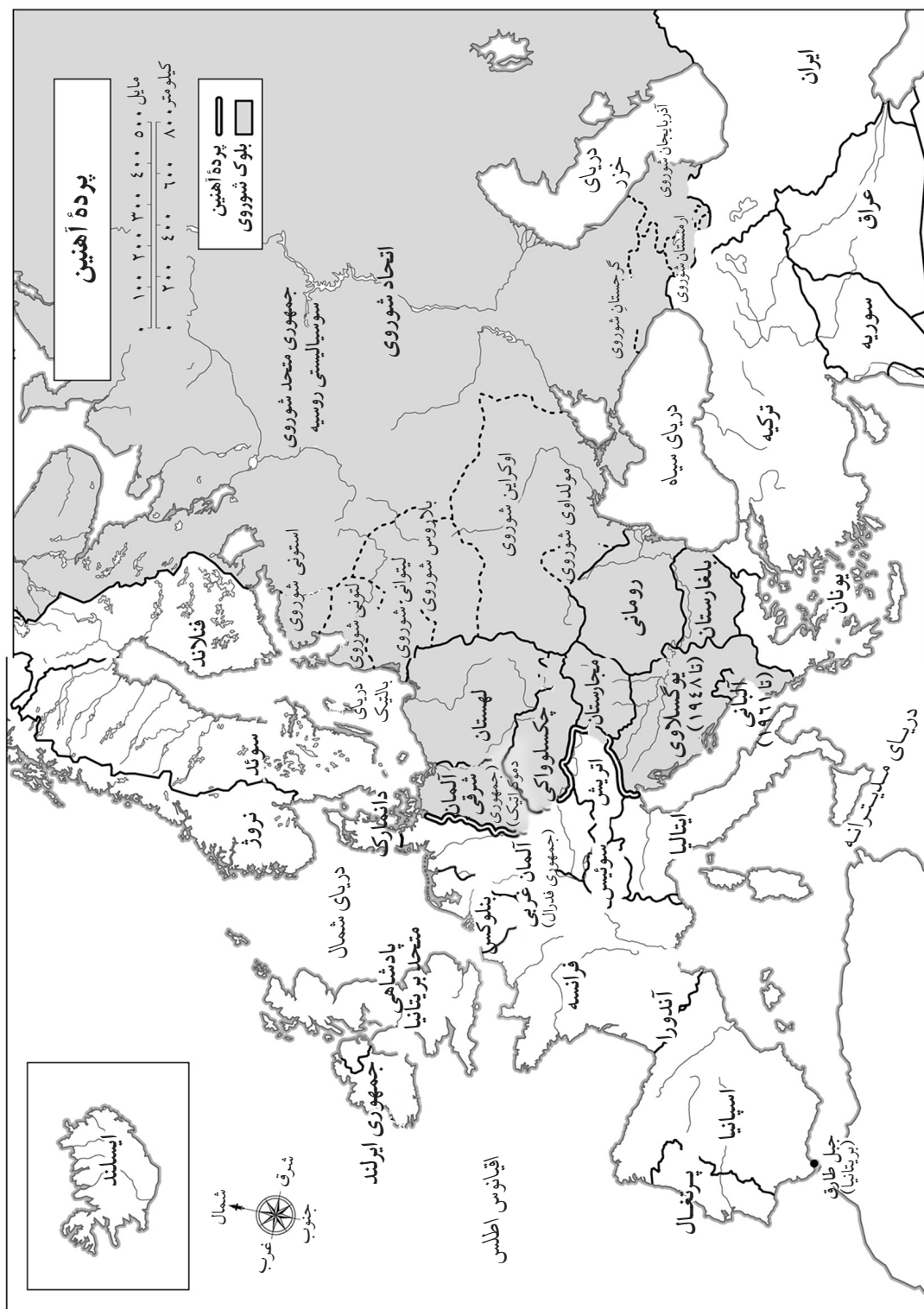


اقتصادی اطللس



اروپا،
تغییرات قلمروها در نتیجهٔ جنگ
جهانی اول

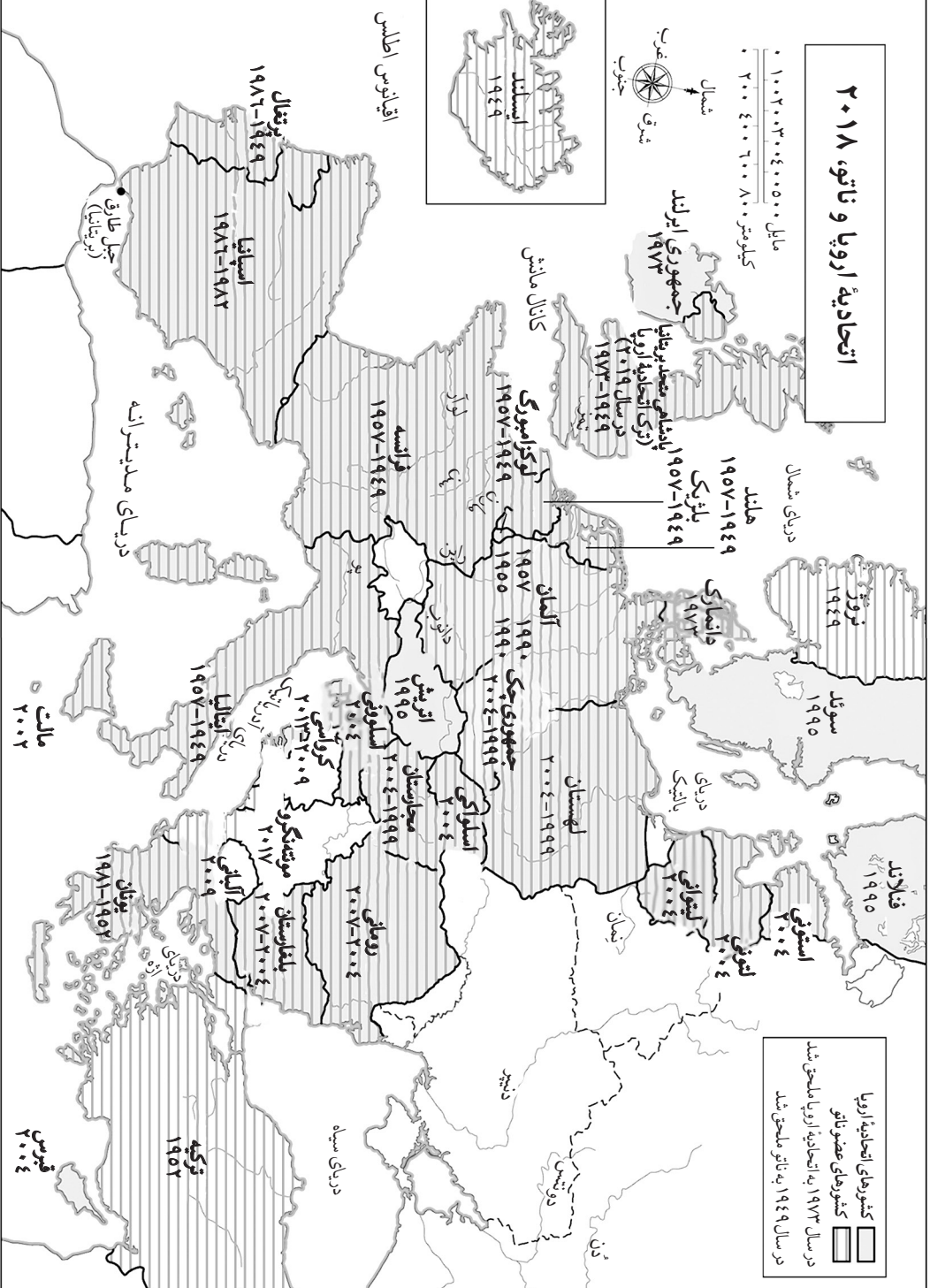




اتحادیۂ اروپا و ناتو، ۲۰۱۸

کشورهای اتحادیه اروپا
کشورهای عضو ناتو
در سال ۱۹۷۳ به اتحادیه اروپا ملحق شدند
در سال ۱۹۴۹ به ناتو ملحق شدند

مایل: ۱۰۰ ۲۰۳۰۴۰۵۰۰
 کیلومتر: ۲۰۰ ۳۰۶۰۰۸۰



گاهشمار تاریخ اروپا

حدود ۲۵۰۰-۱۴۵۰ ق.م	چیرگی تمدن مینوسی
حدود ۱۴۵۰-۱۱۰۰ ق.م	چیرگی تمدن میسنی
حدود ۱۱۹۴-۸۴ ق.م	محاصره تروا
۵۰۸ ق.م	برقراری دموکراسی در آتن به دست کلیستنس
۴۹۰ ق.م	شکست ایرانیان از آتنی‌ها در ماراتون
۴۶۱-۴۲۹ ق.م	عصر طلایی آتن در دوران حاکمیت پریکلس
۳۳۶-۳۲۳ ق.م	فرمانروایی اسکندر مقدونی
۲۴۱ ق.م	راندن کارتاژی‌ها از سیسیل به دست رومیان
۲۱۸-۲۰۳ ق.م	هانیبال در ایتالیا
۴۴ ق.م	قتل ژولیوس سزار
۲۷ ق.م	امپراتوری آگوستوس در روم
حدود ۳۳ م	مصلوب شدن عیسی مسیح
۱۱۷-۱۳۸ م	امپراتوری هادریانوس
۲۸۶ م	تقسیم امپراتوری روم به دست دیوکلسین
۳۰۶-۳۳۷ م	امپراتوری کنستانتین
۳۲۵ م	شورای نیقیه
۴۱۰ م	غارث روم به دست آلاریک
۴۵۱ م	شکست آتالا در کاتالونیا
۴۷۶ م	سرنگونی آگوستولوس، پایان رسمی امپراتوری روم
۴۹۳ م	به رسمیت شناخته شدن پادشاهی تئودوریک در ایتالیا از سوی کلویس
۵۳۶ م	بازپس‌گیری ایتالیا به دست یوستی‌نیانوس
۵۹۵ م	فرستادن آگوستین به انگلستان از سوی گرگوریوس کبیر
۶۳۲-۷۰۰ م	فتح یک‌سوم دنیای مسیحیت به دست مسلمانان
۷۳۲ م	شکست عبدالرحمن در پواتیه به دست شارل مارتل
۸۰۰ م	تاج‌گذاری شارلمانی به عنوان اولین امپراتور مقدس روم
۸۴۵ م	غارث پاریس به دست وایکینگ‌ها
۹۵۵ م	شکست مجارها در لشفلد از اوتو
۹۸۸ م	ولادیمیر، شاهزاده کیف روسیه، مسیحیت ارتدوکس شرقی را دین رسمی روسیه قرار داد

اشغال انگلستان به دست کانوت دانمارکی	۱۰۱۵-۱۰۱۷ م
انشقاق بزرگ میان روم و بیزانس	۱۰۵۴ م
فتح انگلستان به دست نورمان‌ها	۱۰۶۶ م
رفتن هانری چهارم، امپراتور مقدس روم، برای توبه به کانوسا	۱۰۷۷ م
اشغال بیت‌المقدس در نخستین جنگ صلیبی	۱۰۹۹ م
دومین جنگ صلیبی	۱۱۴۷ م
قتل توماس بکت در کنتربری	۱۱۷۰ م
غارت قسطنطنیه در چهارمین جنگ صلیبی	۱۲۰۴ م
توشیح ماگنا کارتا در انگلستان	۱۲۱۵ م
اعلام قوانین اینوکنتیوس سوم در شورای چهارم لاتران	۱۲۱۶ م
رسیدن اردوی زرین به مجارستان	۱۲۴۱ م
پارلمان دو مونفور	۱۲۶۵ م
فیلیپ پادشاه فرانسه مقر پاپ را از رم به آوینیون منتقل می‌کند	۱۳۰۹ م
آغاز جنگ صدساله	۱۳۳۷ م
نبرد کرسی	۱۳۴۶ م
طاعون سیاه در اروپا	۱۳۴۷-۱۳۵۱ م
وجود همزمان چند پاپ باعث ایجاد شکاف غربی می‌شود	۱۳۷۸ م
یان هوس آموزه‌های ویکلیف را در پراگ موعظه می‌کند	۱۴۰۲ م
شورای کنستانس، سوزاندن هوس	۱۴۱۵ م
پایان شکاف غربی	۱۴۱۷ م
پایان جنگ صدساله با نبرد کاستیلون — سقوط قسطنطنیه به دست عثمانی	۱۴۵۳ م
گوتبرگ کتاب مقدس را چاپ می‌کند	۱۴۵۵ م
رسیدن ملوانان اعزامی هانری دریانورد به جزایر کیپ‌ورد	۱۴۵۶ م
ایوان کبیر تاتارها را بیرون می‌راند	۱۴۸۰ م
تورک‌مادا عهده‌دار رهبری تفتیش عقاید اسپانیا می‌شود	۱۴۸۳ م
سقوط گرانادای مسلمانان — پیاده شدن کریستف کلمب در کارائیب	۱۴۹۲ م
ساوونارولا در فلورانس	۱۴۹۴-۱۴۹۸ م
انتشار اعلامیه لوتر علیه رم	۱۵۱۷ م
امپراتوری شارل پنجم، امپراتور مقدس روم	۱۵۱۹ م
ملاقات فرانسوای اول و هنری هشتم در میدان قماش زرین	۱۵۲۰ م
شکست مجارها در موهاچ از سلیمان قانونی	۱۵۲۶ م
شورای آوگسبورگ اعتقادنامه پروتستان‌ها را بررسی می‌کند	۱۵۳۰ م
کاتولیک‌ها در شورای ترانت پاسخ پروتستان‌ها را می‌دهند	۱۵۴۵ م
مصالحه صلح آوگسبورگ با این اصل: «حاکم هر منطقه دین آن منطقه را تعیین می‌کند»	۱۵۵۵ م
شکست عثمانی در لیپانتو از کاتولیک‌ها	۱۵۷۱ م
کشتار روز سن بارتلمی	۱۵۷۲ م
شکست آرمادای اسپانیا	۱۵۸۸ م
هنری چهارم فرمان نانت را برای مدارا با پروتستان‌های هوگنو صادر می‌کند	۱۵۹۸ م

آغاز جنگ سی ساله با پرتاب از پنجره پراگ	۱۶۱۸ م
صلح وستفالی	۱۶۴۸ م
اعدام چارلز اول و آغاز حکومت کرامول	۱۶۴۹ م
بازگشت چارلز دوم به تخت انگلستان	۱۶۶۰ م
آغاز حکومت مطلقه لوئی چهاردهم	۱۶۶۱ م
جنگ فرانسه و هلند	۱۶۷۲-۱۶۷۸ م
لغو فرمان نانت از سوی لوئی و اخراج هوگنوها	۱۶۸۵ م
حمله ویلیام اورانژ به انگلستان، فرار جیمز دوم به فرانسه	۱۶۸۸ م
جنگ نه ساله	۱۶۸۸-۱۶۹۷ م
جنگ جانشینی اسپانیا	۱۷۰۱-۱۷۱۴ م
پیمان اوترخت	۱۷۱۳ م
جنگ جانشینی اتریش — حمله فردریک از پروس به سیلزی	۱۷۴۰-۱۷۴۸ م
جنگ هفت ساله	۱۷۵۶-۱۷۶۳ م
تصاحب تاج و تخت روسیه به دست کاترین کبیر	۱۷۶۲ م
پایان جنگ هفت ساله با پیمان پاریس	۱۷۶۳ م
جنبش اعتراضی چای بوستون	۱۷۷۳ م
جنگ استقلال آمریکا	۱۷۷۵-۱۷۸۳ م
آغاز انقلاب فرانسه	۱۷۸۹ م
دوران وحشت روبسپیر	۱۷۹۳ م
تاج گذاری ناپلئون در مقام امپراتور فرانسه	۱۸۰۴ م
نبردهای ترافالگار و اوسترلیتز	۱۸۰۵ م
انحلال امپراتوری مقدس روم	۱۸۰۶ م
عقب نشینی ناپلئون از مسکو	۱۸۱۲ م
نبرد واترلو و سقوط ناپلئون	۱۸۱۵ م
استقلال یونان — اولین سال از انقلاب های ناموفق	۱۸۳۰ م
قانون اصلاحات بریتانیا حوزه های انتخاباتی کم جمعیت را لغو می کند	۱۸۳۲ م
دومین سال انقلاب های ناموفق	۱۸۴۸ م
جنگ کریمه	۱۸۵۳-۱۸۵۶ م
وحدت ایتالیا	۱۸۶۱ م
شکست اتریش از بیسمارک	۱۸۶۶ م
شکست فرانسه از بیسمارک	۱۸۷۱ م
دومین کنگره برلین حدود و مناطق تحت نفوذ امپراتوری های اروپا را تعیین می کند	۱۸۸۵ م
جنگ بزرگ (جنگ جهانی اول)	۱۹۱۴-۸ م
انقلاب روسیه	۱۹۱۷ م
معاهده ورسای	۱۹۱۹ م
پیمان لوکارنو	۱۹۲۵ م
آغاز رکود بزرگ	۱۹۲۹ م
حمله هیتلر به لهستان، آغاز جنگ جهانی دوم	۱۹۳۹ م

ورود آمریکا به جنگ پس از حمله به پرل هاربر	۱۹۴۱ م
کنفرانس‌های یالتا و پوتسدام؛ پایان جنگ	۱۹۴۵ م
محاصره برلین	۱۹۴۸-۱۹۴۹ م
تأسیس ناتو	۱۹۴۹ م
پیمان رم و تشکیل جامعه اقتصادی اروپا	۱۹۵۷ م
بحران موشکی کوبا	۱۹۶۲ م
سقوط دیوار برلین	۱۹۸۱ م
فروپاشی اتحاد شوروی	۱۹۹۱ م
به قدرت رسیدن پوتین در مسکو	۱۹۹۹ م
معرفی یورو به عنوان واحد پول اروپا	۲۰۰۲ م
رای مثبت بریتانیا به خروج از اتحادیه اروپا	۲۰۱۶ م

پیشگفتار

صخره‌های دماغه سنت وینسنت بلند و سرکش در کرانه‌های پرتغال سر برآورده‌اند و در منتهاالیه جنوب غربی اروپا قرار گرفته‌اند. این جاست که خورشید هنگام غروب در دل آب‌های اقیانوس اطلس، که اروپاییان باستان انتهای دنیا می‌پنداشتند، فرومی‌رود. به گمان آن‌ها اقیانوس هر شب منبع گرما و نورشان را می‌بلعید و صبح روز بعد از نوزاده می‌شد. برای چنین اسطوره‌ای مکانی مناسب‌تر از این محل نمی‌شناسم. بیننده در ورای این صخره‌های سترون جز دریای بی‌پایان نمی‌بیند. پشت سر، سرزمینی پهناور با تاریخی پرتلاطم و پرفراز و نشیب قرار دارد.

اروپا در واقع شبه‌جزیره‌ای کوچک در شمال غرب آسیاست. این قاره در شمال از سواحل پرتغال تا شمالگان، در جنوب تا مدیترانه و در شرق تا قفقاز و کوه‌های اورال، که یک تابلوی فلزی زمخت کنار جاده‌ای مرزی دلبخواه را مشخص می‌کند، گسترده شده است. این قاره بیابان ندارد و تنها یک رشته‌کوه مهم دارد؛ رشته‌کوه آلپ. بیشتر آن دشت آبرفتی حاصلخیزی است با آب و هوای معتدل و محل زندگی ۷۵۰ میلیون نفر، بیش از دو برابر جمعیت ایالات متحده آمریکا.

اروپا ادعایی در خصوص برتری‌اش در میان اقوام بی‌شمار دنیا ندارد. سایر اقوام می‌توانند از لحاظ وسعت قلمرو، تمدن و رفاه به رقابت با آن برخیزند. ظهور آن به مثابه قدرتی مسلط در اواخر هزاره دوم چشمگیر و گذرا بود. اما تنوع و برتری نظامی اروپا، پویایی و توان اقتصادی‌اش، توان علمی و خلاقیت فرهنگی‌اش جایگاهی ویژه در تاریخ بشر به آن می‌دهد. حتی امروز هم که دستخوش زوال نسبی شده، همچنان مقصد جذابی برای پناهنجویان، مهاجران، پژوهشگران و گردشگران سراسر دنیاست.

در سده ششم ق.م منظور از اروپا سرزمین اصلی شمال یونان بود. اروپا هرگز مرزهای معین نداشت. ابتدا مترادف امپراتوری روم بود و بعدها مترادف عالم مسیحیت، که هر دو فراتر از محدوده‌های اروپای امروزی رفتند و گستره‌های وسیعی از آسیا و آفریقا را در بر گرفتند. مرز شرقی هیچ‌گاه تثبیت نشده است، اما عموماً کوه‌های اورال، دریای سیاه و کوه‌های قفقاز را مرز شرقی می‌پندارند. این منطقه شامل روسیه اروپایی است، اما ترکیه در شرق بوسفور و گرجستان را در بر نمی‌گیرد.

محور اصلی هر تاریخ مختصری که درباره این قاره بگوئیم سیاست است؛ مبارزه انسان‌ها بر سر کسب قدرت در زمین. به گفته هابز، انسان‌ها از زمانی که زاده می‌شوند مدام با هم در نزاع‌اند. این‌که آیا این نزاع خشونت‌آمیز است یا خیر هنوز جای پرسش دارد، اما داستان اروپا با آن‌هایی آغاز می‌شود که در نبرد موفق بودند، با فرمانروایان آغاز می‌شود نه با زیردستان. این روایت، روایت قدرت در قاره‌ای است که دست‌کم تا همین اواخر جنگ بر داستان آن، و از این رو جریان‌هایی که باعث آغاز و پایان جنگ شده مستولی بوده است. حتی همین امروز هم ظاهراً اروپایی‌ها قادر به یافتن دستورالعملی اساسی برای زندگی صلح‌آمیز در کنار یکدیگر نیستند. آن‌ها بی‌وقفه بر سر این پرسش که «اروپا» چیست بحث می‌کنند.

می‌دانم که تاریخ محل مناقشه و اختلاف نظر است. برخی مورخان رویکرد سیاسی به روایت اروپا را رویکردی یک‌جانبه و ناقص می‌دانند، رویکردی که قربانیان ساختارهای قدرت — تهیدستان، بردگان، زنان، مهاجران و بیگانگان — را از صحنه روایت تاریخی حذف می‌کند. همه این گروه‌ها تاریخ‌های خاص خود را دارند، تاریخ‌هایی که به اندازه تاریخ من «موثق» است. بیگانگانی هم که زیر یوغ امپراتوری اروپا زندگی کرده‌اند اروپا را به شکل دیگری می‌بینند. فقط می‌توانم تکرار کنم که این کتاب درباره روایت برخورداری از قدرت و توزیع آن در یک قاره است. این روایت را باید سرآغاز همه روایات دیگر در نظر گرفت.

روایت من به نوعی روایت تاریخی متداول است. داستان اروپا را به چند دوره تقسیم کرده‌ام. به عبارتی جهان باستان، قرون وسطی، شکل‌گیری دولت‌ها و عصر مدرن. جهان باستان یونان و روم را در بر می‌گیرد. قرون وسطی پیروزی مسیحیت را پوشش داده است، ابتدا در محدوده مدیترانه و سپس شمال اروپا که توأم بود با ظهور امپراتوری مقدس روم و ورود اسلام به حوزه مدیترانه. دوران سوم ظهور ملت‌ها، جنگ‌های مذهبی و جنگ‌های جانشینی، و انقلابات ایدئولوژیک سده‌های هجدهم و نوزدهم را در بر می‌گیرد. من کتاب را با فجایع سده گذشته و بازسازی قاره‌ای که امروز می‌شناسیم پایان خواهم داد.

در این مسیر به اختلاف نظرهایی که همواره تاریخ اروپا را همراهی کرده‌اند اشاره کرده‌ام، به این امید که خوانندگان را به کند و کاو بیشتر در تاریخ ترغیب کنم. می‌دانم که در تقسیم‌بندی تاریخ اروپا به «دوره‌های مختلف» دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد؛ درباره میزان اهمیت نسبی یونان و روم در شکل‌گیری فرهنگ باستان، درباره نقش بیزانس در تحول اروپا، درباره تأثیر هجوم مسلمانان به این قاره، درباره نقش کلیسا در منازعات متعدد اروپا و برانگیختن یا به تأخیر انداختن رنسانس و عصر روشنگری. به این تفاوت‌ها به شکل گذرا اشاره خواهم کرد.

این کتاب به تاریخ اروپا می‌پردازد نه تاریخ کشورهای اروپایی. تلاشی است برای نشان دادن این‌که چگونه دولت‌ها از طریق تعامل با یکدیگر توانستند در گذر زمان به نوعی خودآگاهی و هویت جمعی قاره‌ای برسند. جغرافیا باعث شده نقش برخی مناطق حیاتی‌تر از بقیه باشد و همین روایتِ مرا پیش می‌برد. در این روایت از شرق مدیترانه به غرب آن می‌رویم، پس از آن به شمال کوه‌های آلپ، به حوضه‌های آبریز رودخانه عظیم اروپای مرکزی. در هزاره گذشته، به مانند امروز، فرانسه، آلمان و همسایگان‌شان هسته اصلی داستان اروپا را تشکیل می‌دادند. اما ایبریا، جزایر بریتانیا، اسکاندیناوی و اروپای شرقی هرازگاه و به شکلی جنبی نقش‌هایی ایفا کرده‌اند. آگاهم که این دیدگاه باعث می‌شود بسیاری از کشورها از این تصویر کنار گذاشته شوند و به همین دلیل ممکن است از نظر کسانی که سرزمین زادگاهشان حذف شده این کتاب سطحی به نظر برسد. حتی ولز، سرزمین مادری‌ام، در این میانه نقشی ندارد. اما در این کتاب به داستان اروپا به مثابه یک کل پرداخته شده است نه داستان جزء به جزء بخش‌های تشکیل‌دهنده آن.

تمرکز من عمدتاً روی شخصیت‌هایی است که عملکردشان بخشی از این داستان را خلق کرده و تأثیرات آن‌ها از مرزهای ملی فراتر رفته است، رهبرانی همچون آوگوستوس، شارلمانی، پاپ اینوکنتیوس سوم، شارل پنجم، کاترین کبیر، ناپلئون، هیتلر و گورباچف. در مقام دانشجوی اقتصاد از نقش منابع و پول در سیاست آگاهم، اما این کتاب تاریخ اقتصادی نیست. تاریخ فرهنگی هم نیست. هر جا که احساس کرده‌ام باعث روشنگری در داستان اصلی است به فهرست غنی هنرمندان، نویسندگان و موسیقیدانان اروپا و شخصیت‌های روشنفکر برجسته آن اشاره کرده‌ام. از این رودر این کتاب به سقراط، ارسطو، گرگوریوس کبیر، شکسپیر، گوته، بتهوون، هگل و مارکس هم برمی‌خوریم. آن‌ها همچون همسرایان یونانی تراژدی همواره در جریان این روزگاران هستند. مضامین مختلف در این روایت اجزای مختلف داستان را به هم پیوند می‌زند و ساختار کلی را شکل می‌دهد. یکی از این مضامین نقش بارز خشونت و فناوری‌های خشونت حداقل تا همین اواخر است. دیگری دوگانگی فرهنگ یونانی و رومی از یک سو، و ضوابط اخلاقی و باورهای مسیحی از سوی دیگر است. هر دو جریان تأثیرگذار نوعی مرجعیت اخلاقی بیرونی را بر فرد تحمیل می‌کردند و در عین حال افکار فرد را به مثابه نیرویی در برابر آن مرجع، چه کلیسایی و چه حکومتی، برمی‌انگیختند. دو مضمون دیگر یکی تلاش پایان‌ناپذیر، از زمان یونانیان باستان، برای مشروعیت بخشی به قدرت حکومت و گره زدن آن به رضایت مردمی، و دیگری فعالیت خلاقانه در تجارت و سرمایه به عنوان محرکی برای ظهور و بروز دولت-ملت‌هاست. مضمون آخر شیوه‌ای است که این نیروها قاره اروپا را در سده بیستم به سوی خودویرانگری سوق دادند.

خوشایندترین میراث اروپا برای دنیای مدرن برآمده از دل این بحران بود، ایده اقتصاد بازار اجتماعی تحت نظارت حکومت دموکراتیک.

من ترتیب زمانی وقایع تاریخی را به دقت حفظ کرده‌ام، زیرا معتقدم فقط زمانی تاریخ معنا پیدا می‌کند که بتوانیم رابطه علت و معلول را در طول زمان مشاهده کنیم. از این رو تا حد امکان از هر گونه انحراف، بازگشت به عقب یا پرش‌های زمانی اجتناب کرده‌ام. هر چیزی را که به نوعی به محور اصلی داستان ارتباط نداشته حذف کرده‌ام و در عوض توصیف‌هایی از افراد و ایده‌های مهم برای داستان آورده‌ام. این روایت به سمت موضوعی پیش می‌رود که تردید دارم آن را نتیجه‌گیری بنامم و این موضوع به دشواری‌هایی برمی‌گردد که در راه اتحاد اروپا متحمل شده‌ایم.

مدت‌هاست که به ساختار و رفتار فعلی اتحادیه اروپا و حوزه یورو که دستاورد آن است بدبینم، اما درباره اهمیت همکاری میان کشورهای اروپایی تردید ندارم. پس از این ارزیابی، قاره زادگاهم را بیشتر تحسین می‌کنم. با وجود همه ستم‌ها، خشونت‌ها و اشتباهات مستمر، اروپا را گوشه‌ای مهم از این دنیا می‌پندارم، از لحاظ فرهنگی غنی و از لحاظ رهبری توانمند و خیرخواه. فهمیده‌ام که در گذشته دیپلماسی به راحتی و به کرات با هرج و مرج و کشت و کشتار شکست خورده است. این را نیز فهمیده‌ام که تلاش‌های مکرر برای اتحاد میان بخش‌های مختلف آن به مثابه موجودیتی سیاسی شکست خورده است. یافتن توازن میان اتحاد و تنوع همواره چالش اصلی سیاست اروپا بوده است. در سخن پایانی به این موضوع باز می‌گردم.

و در آخر مطلبی درباره مختصر بودن کتاب بگویم. مخاطب این کتاب مختصر خواندگانی هستند که فرصت یا تمایلی به خواندن کتاب‌های مفصل ندارند. من با برنامه‌های آموزشی‌ای که خواندن تاریخ به صورت عمیق را بهتر از خواندن آن به شکل گسترده و کلی می‌دانند مخالفم. عمق باید به دنبال گستردگی بیاید، چرا که تاریخ بدون گستردگی بی‌معناست. بدون آگاهی از سیر زمانی اعمال بشر و توالی رویدادها، افراد به شخصیت‌هایی منفک در صحنه‌ای خالی تبدیل می‌شوند. کسانی که نمی‌توانند از تاریخ برای هم بگویند حرف معناداری برای گفتن ندارند. بستر تاریخی — که به معنای درک مفهوم نسبت و تناسب است — کلید فهم تاریخ است.

با سیسرون موافقم که «بی‌خبری از تاریخ به این معناست که همیشه در کودکی بمانیم»، با این همه تاریخ به مثابه مجموعه‌ای از رویدادهای تصادفی ممکن است منجر به تحریف و سوءاستفاده شود، این تحریف می‌تواند با استفاده از وفاداری‌های اغراق‌آمیز و ناخشنودی‌های دیرینه به سلاحی برای ایجاد تنش و اختلاف تبدیل شود. به همین دلیل هنر تاریخ نه فقط به خاطر آوردن رویدادها، بلکه تشخیص چیزهایی است که باید فراموش شوند. بنابراین تاریخ به گذشته پیرنگ و روایت می‌بخشد. وظیفه تاریخ مختصر همین است.

سپیده‌دم اژه — شکوه یونان ۲۵۰۰-۳۰۰ ق.م

پیش از سپیده‌دم: نخستین اروپاییان

خدا که باشی کار نشد ندارد. زنوس به ساحل فنیقیه خیره شده بود که چشمش به شاهدختی دلفریب به نام اروپا افتاد که کنار دریا می‌رقصید. او که شهوت کورش کرده بود به شکل نره‌گاوی سفید درآمد و خرامان به او نزدیک شد. اروپا که مسحور این موجود دوست‌داشتنی شده بود حلقه‌ای گل به گردنش آویخت و بر پشت او نشست. چنان‌که در شعر اووید آمده، گاو شناکنان به جزیرهٔ کرت رسید. در این جزیره مینوس پادشاه آینده، ناپدری مینوتاوروس، هیولای افسانه‌ای، حاصل پیوند نره‌گاو و شاهدخت، زاده شد. از این دیدار عجیب و غریب یک پادشاه، یک کشور، یک تمدن و یک قاره پدید آمد.

دربارهٔ نخستین ساکنان این سرزمین که بعدها اروپا نام گرفت اطلاعات چندانی در دست نیست. آثار برجای‌مانده از ماقبل تاریخ حکایت از وجود نئاندرتال‌ها و هوموساپینس‌ها دارد. چنان‌که نگاره‌های غارهای لاسکوی فرانسه نشان می‌دهد، در فرهنگ آن‌ها انسان‌ها و جانوران نقش داشتند. این نگاره‌ها که قدمتشان حدود بیست‌هزار سال است هنوز هم آثار هنری حیرت‌انگیزی محسوب می‌شوند، آثاری نشان‌دهندهٔ شوقِ تصویر کردن واقعیت به شکل تجسمی و نمایش ویژگی‌های مشترک انسانی. در برهه‌ای پس از هزارهٔ هفتم ق.م، انسان‌های عصر حجر از نسل آن‌هایی بودند که از تنگهٔ جبل طارق گذشتند یا از آسیای مرکزی راهی غرب شدند. یاد و خاطرهٔ آن‌ها در محوطه‌های آیینیِ مدورشان زنده است، سازه‌های عظیمی مانند استون‌هنج انگلستان که نشان‌دهندهٔ توان سازماندهی اجتماعی و مهندسی بالاست. تجزیه و تحلیل استخوان‌ها نشان می‌دهد کسانی که از استون‌هنج دیدن کرده‌اند از سرزمین‌های دور دستی مانند سوئیس آمده بودند. در آن زمان هم سفر اروپای قدیم را به هم مرتبط می‌کرد. پس از کشف این موضوع که با ترکیب قلع و مس می‌توان برنز تولید کرد جابه‌جایی جمعیت

به میزان زیادی افزایش یافت. پس از این کشف، ساختن ظروف آشپزی و انواع جنگ افزار امکان پذیر شد. تولید برنز داد و ستد را در پی داشت، داد و ستدی که از راه دریا به راحتی انجام می گرفت و نتیجه آن افزایش استقرار در نواحی ساحلی بود. نواحی داخلی اروپا جنگلی و عمدتاً نفوذناپذیر بود، اما سکونتگاه های واقع در امتداد رودخانه ها و سواحل نوعی فرهنگ دریایی برون نگر به وجود آوردند، چرا که سفر آبی راحت تر از سفر در خشکی بود.

از هزاره پنجم به بعد، باستان شناسان متوجه جابه جایی های پیاپی از آسیا به سوی غرب شده اند: اقوام معروف به کورگان^۱ از آناتولی، نیا هند و اروپایی زبانان، و از هزاره سوم سلت های در حال مهاجرت. تجارت مشوق این جابه جایی ها بود. اشیای دست ساز از شمال تا جنوب و در امتداد سواحل بالئیک و دریا های شمال و مدیترانه مبادله می شد. انسان ها سفر می کردند. به همدیگر برمی خوردند و می آموختند.

اواخر عصر برنز در هزاره سوم ق.م، تازه واردانی از دو حوزه وارد اروپا شدند: حوزه شرق و حوزه جنوب. از شرق مردمی از استپ های آسیا و قفقاز وارد شدند. اقوام ژرمن با خود زبان های جدید هند و اروپایی را به ارمغان آوردند که تحول یافت و به بریتونیک،^۲ ژرمنی، اسلاوی، یونانی، ایتالیک و بقیه زبان ها تبدیل شد. داشتن واژگانی برای خانواده و کشاورزی، و نه دریا و دریانوردی، نشان دهنده خاستگاه های محاط در خشکی آن ها بود. مطالعه زبان هند و اروپایی در حکم نوعی باستان شناسی زبانی است که همگام با پیشرفت های انجام گرفته در مطالعه دی ان ای، مدام تعبیری نو از داستان اروپا ارائه می کند.

عوامل دیگر از راه های دورتر در مدیترانه رخنه کردند. در هزاره دوم ق.م، توسعه یافته ترین جوامع در دره های رود زرد در چین، سند در هند و «هلال حاصلخیز» فرات و نیل در حال ظهور بودند. مدت ها پیش از تثبیت سکونت در اروپا، این اقوام در کشاورزی، ساخت و ساز، داد و ستد و هنر تبحر یافته و در میانرودان به نوشتار دست یافته بودند. آن ها شهرهایی ساخته بودند و نیاکان خود را همچون خدایان می پرستیدند. بناهای عظیم داشتند. هرم بزرگ جیزه (حدود ۲۵۶۰ ق.م)، با ۱۴۶ متر ارتفاع، تا سده چهاردهم که کلیسای جامع لینکلن کامل شد بلندترین سازه روی زمین بود.

پسر فرضی اروپا یعنی پادشاه مینوس را بنیان گذار امپراتوری مینوسی در کرت می دانستند. ظاهراً این امپراتوری حداقل هزار سال، تقریباً از حدود ۲۵۰۰ تا حدود ۱۴۵۰ ق.م، برقرار بوده است. برخلاف باور سنتی، که مینوسی ها را مهاجرانی از مصر یا میانرودان می دانست، بررسی ها روی دی ان ای استخوان های برجای مانده نشان دهنده خویشاوندی نزدیک تر مینوسی ها با یونانیان باستان

1. Kurgan

۲. Brythonic: نام یکی از زبان های هند و اروپایی از دسته سلتی، مشتمل بر زبان های ولزی، برتانی، و کورنوالی. — و.

است. آن‌ها قومی بودند که در سراسر مدیترانه شرقی به دادوستد مشغول بودند، کاخ می‌ساختند، مهاجرنشین برپا می‌کردند، و در مسابقات ورزشی و پرش آیینی از روی گاونر شرکت می‌کردند. ظاهراً زندگی‌شان با آرامش توأم بود. با وجود رسم قربانی کردن انسان، هیچ طبقه جنگجو یا فرقه نظامی ستیزه‌جویی نداشتند. نقاشی‌های دیواری و سرامیک‌های کنوسوس مینوسی ظاهراً حکایت از زندگی فریبده جوانان زیبای کنوسوسی دارند، اولین حلقه ظریف در زنجیره فرهنگی کاملاً بارز اروپایی.

گویا امپراتوری مینوسی زمانی دستخوش تباهی شد که جنگل‌های جزیره که برای تولید برنز حیاتی بودند تماماً به مصرف رسیدند. ضربات مرگباری که جزیره متحمل شد ظاهراً مجموعه‌ای از فجایع طبیعی بود، عمدتاً آتشفشان جزیره ترا^۱ که تاریخ‌گذاری رادیو کربن وقوع آن را حدود سال ۱۶۳۰ ق.م نشان می‌دهد. این مصیبت بزرگ باعث سونامی‌ای شد که شرق مدیترانه را روفت و سکونتگاه‌های کرت را به‌کل نابود کرد. پس از آن آخایانی‌های میسنی، طلایه‌داران یونانیان سرزمین اصلی در شمال، برتری یافتند.

سپیده‌دم اژه و پراکنده شدن جمعیت

آخایانی‌ها (یا میسنی‌ها یا دانائوسی‌ها) تقریباً از سال ۱۴۵۰ تا حدود سال ۱۱۰۰ ق.م در حوضه آبریز اژه برتری پیدا کردند. آن‌ها قومی خشکی‌نشین بودند و پادشاه داشتند، افسانه‌ها، پهلوانان و خط «ب» آن‌ها در فرهنگ بعدی یونان دست بالا را پیدا کرد. آن‌ها با هیتی‌هایی جنگیدند که با اشغال آسیای صغیر و مدیترانه شرقی^۲ مانع پیشروی مصری‌ها به شمال شده بودند. هیتی‌ها از قدیم آهن استخراج می‌کردند و با آن شمشیر می‌ساختند و از این رو ابزارهای کشتاری در اختیار داشتند که کارآمدتر از چماق و تبر سنگی بود. پیدایش شهر تروآ همزمان با این دوران بود. آن‌ها هلن ملکه آخایانی را ربودند و آخایانی‌ها به جنگ آن‌ها آمدند، و احتمالاً در دهه ۱۱۸۰ ق.م بود که شهر محاصره شد و آتش‌سوزی بزرگ رخ داد.

این اولین رویداد ثبت‌شده در داستان اروپاست و طی سده‌های بعد بارها بازگو شد و بی‌تردید شاخ و برگ پیدا کرد و احتمالاً زمانی در سده هشتم ق.م به دست هومر شاعر رسید و او این رویداد را به تفصیل توصیف کرد. این روایت، داستان قبایلی است که رفتار همسایگانشان آن‌ها را به سوی خشونت و انتقامی سخت سوق داد. بت‌های آن‌ها تصاویر بی‌جنب و جوش نیاکانشان

1. Thera

۲. Levant: به فرانسوی لوان، اصطلاحی برای نواحی مجاور مدیترانه شرقی، شامل کشورهای اردن، سوریه، لبنان و فلسطین امروزی. این اصطلاح را سابقاً تجار مسیحی به سواحل مسلمان‌نشین مدیترانه، از سواحل یونان تا مصر، که به آن‌ها رفت و آمد داشتند اطلاق می‌کردند. — و.

نبودند، خدایان آن‌ها زنان و مردانی بی‌قرار و انسان‌گونه بودند، آمادۀ نمایش عشق، خشم، حسادت و کنجکاوی. آن‌ها هم مانند انسان‌ها توطئه می‌کردند، بگویم‌گو داشتند و می‌جنگیدند. آن‌ها شمشیرهایشان را با چیزی تقویت کردند که به نیرومندترین سلاح اروپا تبدیل شد: تعقل.

فرهنگ‌های به اصطلاح کاخ‌نشین یا درباری یونان قدیم، به سبب استفاده بی‌رویه از جنگل‌ها یا بر اثر بلایای طبیعی مانند فوران آتشفشان و شیوع طاعون، تقریباً بین سال‌های ۱۲۰۰ و ۱۱۵۰ ق.م به پایان راه خود رسید. این دوران تقریباً در حد فاصل سال‌های ۱۱۰۰ تا ۹۰۰ ق.م به «عصر تاریکی» یونان معروف است، و همزمان است با حمله مهاجمان جدید به حوضه آبریز اژه: دوریان‌ها در سرزمین اصلی یونان و ایونی‌ها در ساحل آسیای صغیر که نام خود را به سبک‌های معماری کلاسیک دادند. بر اساس آزمایش‌های دی‌ان‌ای، حتی یونانیان امروزی از نسل میسنی‌های باستان‌اند، و این بدان معناست که هرچند مهاجمان این سرزمین را فتح کردند، اما جایگزین مردمان پیشین نشدند. در نتیجه ساکنان مناطق داخلی سکونتگاه‌های کاخ‌نشین را ترک کردند و راهی روستاها و شهرهای ساحلی کوچک‌تر شدند. در این جا جغرافیا محدودیت‌هایی برای پراکندگی جمعیت ایجاد کرد و ارتباطات عمدتاً از طریق دریا بود. این امر موجب به وجود آمدن پولیس‌های یونانی شد؛ جوامع کوچک خودگردانی که همه شهروندان آزاد ملزم به دفاع از آن بودند. به گفته ارسطو، فیلسوف یونانی، مشخصه چنین دولتی جامعه‌ای بود که «تا حد امکان از افراد برابر و هم‌تراز» تشکیل شده باشد، تعریفی که زنان، بردگان یا بیگانگان را شامل نمی‌شد. رشد و گسترش این دولت‌های کوچک دریایی سرآغازی شد برای فردگرایی، خودباوری و استقلال که بعدها به تعریف یونانی‌ها از جامعه انسانی و در نهایت شخصیت انسانی انجامید.

حدود سال ۸۰۰ ق.م این دولتشهرها، با جمعیتی در حدود هشتصد هزار نفر، در سراسر سواحل کم‌عرض اژه و در سراسر جنوب از مدیترانه تا دریای سیاه در شمال پراکنده بودند. این جا بود که با فنیقی‌های ساکن صور و صیدون، که در غرب تا اسپانیا ساکن بودند، مواجه شدند. ظاهراً شهر فنیقی کارتاژ در تونس فعلی در سال ۸۱۴ ق.م بنیاد نهاده شد. یونانی‌ها هم در امتداد سواحل شمالی مدیترانه، در سیسیل، ایتالیا و حتی فرانسه ساکن شدند. یونانی‌ها آن قدر سازگار بودند که الفبای فنیقی را به کار گرفتند — و شکلی از آن را تا به امروز حفظ کرده‌اند.

حدود هزار سکونتگاه یونانی مربوط به این دوران در سراسر مدیترانه شناسایی شده است، از نظر وسعت و جمعیت و شکوه، کاخ‌هایشان بسیار وسیع‌تر و پرجمعیت‌تر و باشکوه‌تر از خاستگاه اصلی‌شان در اژه بود. آگریگنتوم در سیسیل و سوباریس در جنوب ایتالیا شهرهای بزرگی شدند و سوباریس آن قدر ثروتمند و مرفه شد که صفت «sybaritic» برای زندگی راحت و تجملاتی به